



اروپا؛ روسیه و بحران قطع گاز

افشین جوان - سید غلامحسین حسن تاش

وله تأکید کرد که اگر ایران سیاست نوینی را در زمینه گاز اتخاذ کرده و فعال تر عمل نماید، قادر خواهد بود در آینده با روسیه در بازار اروپا رقابت کند. به نظر میثائل لاویش، رییس بنیاد مدافع آزادی و حقوق شهروندی در آسیای میانه، غرب نیاز شدیدی به گاز دارد و انرژی جایگزینی نیز تا به حال یافت نشده است. بیشترین گاز مورد نیاز آلمان از هلند و نروژ خریداری می شود. آلمان و اروپا بایستی برای رفع نیازهای خود به تنوع منابع گازی اولویت دهند. شرکت گازپروم که نقشی انحصاری را در صنعت گاز روسیه به عهده دارد در اوک ژانویه ۲۰۰۹ عرضه گاز خود به اوکراین را به بهانه اختلاف برسر قیمت و نیز بدهی اوکراین، کاهش داد و روس ها وارد دور جدیدی از بازی ای که در سال های اخیر مهارت خود را در آن نشان داده اند شدند.

اما جدال بین مسکو و کیف کاهش جدی عرضه گاز را برای شش کشور جمهوری چک؛ ترکیه؛ لهستان؛ مجارستان؛ رومانی و بلغارستان به همراه داشت و سایر کشورهای اروپائی را نیز متأثر کرد.

گرهارد شرودر اعضای اتحادیه اروپا را متقاعد کرده بود که «ولادیمیر پوتین» اروپایی شده است و اقتصاد روسیه از انحصار دولت خارج شده و شرایط به گونه ای است که می توان با او وارد یک اتحاد گازی شد. به این ترتیب بود که گازپروم به آرامی، اتحادیه اروپا را به خود وابسته کرد. اما این غول بزرگ، در راستی آزمایی مردود شد و با قطع گاز اوکراین در دو مرحله، اروپایی ها را به وحشت انداخت. این اتفاق موجب شد اعضای بزرگ تر اتحادیه اروپا به ویژه آلمان و فرانسه و بقیه متحدین آن ها، وحشت خود از انحصار گازپروم را با رویکرد به منابع گاز کشورهای آسیای میانه و حتی ایران نشان دهند. شاید روس ها استفاده از انرژی به عنوان سلاح و اهرم قدرت را از آمریکائی ها آموخته باشند.

کارشناس بنیاد مطالعاتی «جیمز تاون» معتقد است که ایران به عنوان دومین کشور صاحب ذخایر گازی جهان، با یک فرصت طلایی مواجه شده است. وی در مصاحبه با بخش فارسی دویچه

این حرکت روسیه چه از روی عمد و چه از روی سهو، چیزی جز مخدوش شدن اعتبار روسیه در عرضه بلندمدت گاز به اروپا را به همراه نداشت ولی در عین حال متضمن ارسال پیامی روشن به اوکراین و اروپا بود که روسیه با وجود آمدن منطقه اروپا-آتلانتیک مخالف است و عدم احترام به خواست روسیه می تواند عواقب وخیمی را در عرضه انرژی به اروپا در پی داشته باشد و به عبارتی روسیه هنوز جمهوری های سابق را قلمرو امنیتی خود می انگارد.

اوکراین مهم ترین قلمرو ترانزیت گاز روسیه به اروپاست ۸۰٪ گاز روسیه از طریق اوکراین به اروپا صادر می گردد و این مسأله نقش پراهمیت اوکراین برای روسیه را روشن می کند.

مجادلات روسیه و اوکراین زمانی آغاز شد که اوکراین پیشنهاد روسیه برای افزایش قیمت گاز از ۱۷۹/۵۰ دلار به ۲۵۰ دلار در هر ۱۰۰۰ متر مکعب برای سال ۲۰۰۹ را رد کرد. روسیه معتقد بود که پیشنهاد ارائه شده، به طور قابل ملاحظه ای از قیمت پیشنهادی این کشور به اروپا پائین تر بوده است و در واکنش به رد این پیشنهاد ابتدا اوکراین را متهم کرد که ۶۰۰ میلیون دلار به روسیه مقروض است و به دنبال آن با تشدید تنش خواستار پرداخت ۴۱۸ دلار در ابتدا و سپس ۴۵۰ دلار در هر ۱۰۰۰ متر مکعب شد.

در پنجم ژانویه و به دنبال چهار روز بحث داغ بین مسکو و کیف، پوتین و «آلکسی میلر» رئیس گازپروم در تلویزیون روسیه ظاهر شدند و دستور قطع ۲۰ درصدی گاز اوکراین را صادر کردند و این آغاز مجادله بین دو کشور بود که می توانست ناخشنودی

مسکو از پیوستن اوکراین به ناتو را نیز تداعی کند. اما افزایشی بودن روند تقاضای گاز اروپا موجب می شود که شدت نگرانی آن ها از این حرکت روسیه، تشدید شود. در سال ۲۰۰۷ تقاضای گاز طبیعی در اروپا حدود ۵۰۰ میلیارد متر مکعب در سال بوده است و بر اساس پیش بینی ها در دهه آتی این تقاضا به حدود ۸۰۰ میلیارد متر مکعب خواهد رسید.

وابستگی آلمان به گاز روسیه حدود ۴۰٪ است و پیش بینی می شود که این وابستگی تا سال ۲۰۲۰ به حدود ۶۰٪ برسد. این در حالی است که وابستگی برخی از کشورهای اروپایی به گاز روسیه حدود ۸۰ الی ۱۰۰ درصد است.

کرملین به طور هوشمندانه ای این وابستگی را شناسایی کرده است و با نمایش اول ژانویه خود در واقع گوشزد کرد که نقش انرژی به عنوان ابزاری ژئوپلیتیک بسیار مهم و کلیدی است.

با شدت یافتن بحران گازی، اتحادیه اروپا، تأمین امنیت انرژی را یکی از اولویت های سیاست خارجی خود اعلام کرد. ولادیمیر سوکور، کارشناس در امور گاز، به این مسأله چنین اشاره می کند: «اروپا بالاخره پس از ۱۰ سال درک کرد که باید مسأله خرید گاز ایران و ترکمنستان را نه توسط بخش خصوصی، بلکه از سوی مقامات بلندپایه بروکسل، مستقیماً برنامه ریزی نماید.» تأسیس «شرکت انرژی خزر» توسط «OMV» اتریش، و «RWE» آلمان نخستین اقدام جهت صدور گاز حوزه دریای خزر است که توسط دولت های اروپایی، حمایت سیاسی و اقتصادی می شود. این شرکت قصد دارد نخست در زمینه صدور گاز حوزه دریای خزر به اروپا تحقیق کند. ولی میثائل لاوبش، کارشناس آلمانی، به نتایج فوری این شرکت با تردید می نگرد. به نظری، حتی با تأسیس «شرکت انرژی خزر» نیز سال ها طول خواهد کشید تا گاز این منطقه مستقیماً وارد بازار اروپا شود. در این شرایط سئوالات زیادی مطرح می شود که جا دارد به آن ها پرداخته شود: آیا این حرکت به نفع روسیه خواهد بود؟ آیا اروپا به دنبال سایر منابع عرضه گاز خواهد بود؟ نقش ایران در این میان چگونه ارزیابی می شود؟ آیا اروپا به دنبال توسعه ترمینال های LNG خواهد رفت؟ آیا اروپا ظرفیت

جدول (۱): میزان وابستگی کشورهای اروپایی به گاز روسیه در سال ۲۰۰۷

بلژیک	فرانسه	آلمان	جمهوری چک	اتریش	بلغارستان
۰ تا ۲۰٪	۲۰ تا ۴۰٪	۴۰ تا ۶۰٪	۶۰ تا ۸۰٪	۸۰ تا ۱۰۰٪	
هلند	ایتالیا	رومانی	مجارستان	کرواسی	
سوئیس		اسلونی	لهستان	فنلاند	
ایرلند			ترکیه	یونان	
لوکزامبورگ			لیتوانی		
پرتغال			لتونی		
اسپانیا			صربستان		
سوئد			اسلواکی		
انگلستان					

حقوقی متفاوت این سؤال را بوجود می آورد که با چه قیمتی باید گاز را به اروپا تحویل دهیم؟ آیا به کارگیری روش قیمت گذاری نت بک باعث نمی شود که قیمت گاز در سر مرز برایمان قابل قبول نباشد؟ آیا روسیه به این امر واقف است و با توجه به این مسأله این بازی را به راه انداخته است؟

اروپائی ها بعد از بحران اخیر مجدداً توجه خود را به خط لوله «ناباکو» معطوف نموده و پیگیری آن را تسریع کردند. البته بسیاری معترفند که نابوکو و تنوع بخشیدن به منابع تأمین گاز اروپا، بدون گاز ایران معنا و مفهومی نخواهد داشت. به نظر می رسد متنوع سازی مبادی تأمین گاز چندان برای اروپائی ها حائز اهمیت باشد که حتی در این زمینه به فشارهای آمریکا برای خرید گاز از ایران توجهی نکنند کما این که در دهه ۱۹۸۰ نیز متنوع سازی مبادی تأمین انرژی برای اروپائی ها آن قدر اهمیت داشت که به فشارهای ایالات متحده در زمینه عدم تأمین گاز از شوروی سابق توجهی نکردند. اما شاید مشکل اروپا بیشتر در این مسأله باشد که تأمین گاز از ایران تنها به حوزه تجارت محدود نمی شود و در حالی که در ایران گاز آماده ای برای فروش وجود ندارد، وارد کردن ایران به فهرست تأمین کنندگان گاز اروپا مستلزم سرمایه گذاری در بخش بالادستی گاز ایران و در توسعه فازهای مختلف پارس جنوبی است و اینجاست که دیگر اروپائی ها تاب مقاومت در مقابل فشارهای ایالات متحده را نخواهند داشت. اعلام اخیر «اوباما» مبنی بر آمادگی مذاکره بدون قید و شرط با ایران در صورتی که مورد استقبال ایران قرار گیرد و مذاکرات آغاز شود، می تواند جو را متعادل تر نموده و امکان فعالیت اروپائی ها در این زمینه را تسهیل نماید و لذا ممکن است چنین چیزی چندان خوشایند روس ها نباشد.

اخیراً روس ها به ایران و آذربایجان پیشنهاد داده اند که گاز این دو کشور که تنها آلترناتیوها برای تأمین گاز نابوکو هستند را به قیمت نت بک بازار اروپا به اتحادیه اروپا سوآپ نمایند و این جدیت روسیه برای حفظ کنترل بازار گاز اروپا را بیشتر آشکار می سازد و ایران را در معرض انتخاب های جدی تر و حساس تری قرار می دهد.

به حال باید قبول کرد که روسیه بازیگری بزرگ در عرصه تجارت گاز است و تازمانی که ایران در این بازی شرکت نکرده است نمی توان در مورد قواعد بازی اظهار نظر کرد.

منابع در دفتر نشریه موجود است

ذخیره سازی گاز خود را افزایش خواهد داد؟ آیا نیروگاه های هسته ای در اروپا رونق پیدا خواهد کرد؟

بنظر می رسد این حرکت روسیه با این که هوشمندانه طراحی شده بود ولی نفع روسیه را در بر نخواهد داشت چرا که اروپا قطعاً به تنوع عرضه گاز و همچنین تنوع سبد عرضه انرژی خواهد اندیشید و این در بلندمدت درآمد روسیه حاصل از گاز طبیعی را به خطر خواهد انداخت.

البته روسیه با تمام توان در تلاش حفظ انحصار خود در بازار گاز اروپاست و تمام تلاش خود را برای کنترل رقبا به عمل می آورد. روسیه اینک بر خلاف گذشته گاز را به قیمت های عادلانه تری از ترکمنستان و دیگران می خرد تا به فکر مسیرهای جایگزین نیفتند. شاید نزدیک شدن به ایران و قطر و رغبت نشان دادن اخیر این کشور به «مجمع صادر کنندگان گاز» و برگزاری هفتمین اجلاس آن در آخرین روزهای سال میلادی گذشته در مسکو را نیز در همین رابطه بتوان ارزیابی نمود. همچنین روسها در زمینه پروژه های تولید و انتقال گاز ایران که مقاصد آن بازارهای شرق آسیا باشد، علاقه مندی نشان می دهند و اعلام همکاری می کنند. همچنین روسیه تمام تلاش خود را برای نفوذ در نابوکو و کشورهای مسیر عبور آن (ترکیه، بلغارستان، مجارستان و اتریش) و احیاناً ایجاد تشتت میان آن ها نیز به خرج داده است.

در همین حال اروپا در حال افزایش ترمینال های واردات LNG می باشد و همزمان اروپائی ها با نیم نگاهی به فرانسه که حدود ۹۰٪ برق خود را از نیروگاه های هسته ای تأمین می کند و آسیب پذیری کمتری نسبت به قطع عرضه گاز طبیعی دارد، به توسعه نیروگاه های هسته ای در این قاره نیز می اندیشد.

اما روسیه تمام تقصیرها را به گردن اوکراین انداخته و حتی صحبت از سایر مسیرهای صادرات گاز برای حذف اوکراین به میان آورده است و در همین حال برای اثبات بی گناهی خود حتی از ناظران اتحادیه اروپا خواسته است که بر عرضه گاز و صادرات آن کنترل و نظارت داشته باشند، ولی آیا چنین مسأله ای برای اروپا قابل قبول است؟

به هر حال فصلی جدید در تجارت گاز رقم خورده است و باید دید که اروپا در سال های آتی چه حرکتی را در مقابل شطرنج بازان روسی از خود نشان می دهد.

در این میان نقش منابع گازی عظیم ایران به عنوان منبع عظیم عرضه گاز به اروپا اجتناب ناپذیر است ولی فاصله زیاد ایران تا اروپا و همچنین مسیرهای ترانزیت مختلف همراه با رژیم های